

# پولی نزنیدها غریبی جلوی بچه

Photo:/www.isna.i

«این روزا دیگه کسی نمی‌تونه ماشین خارجی خوب سوار شه به جز دزدا! این روزا کسی نمی‌تونه شغل درست و حسابی برای خودش دست و پا کنه مگه اینکه به یه جا وصل باشه! این روزا...»

ما خیلی وقت است که به تکرار کردن این جملات عادت کرده‌ایم؛ در خانه، میهمانی، مترو، تاکسی، صف نانوايي یا هر جای دیگری که چند هم‌صحبت خوب برای خودمان پیدا کنیم که حرف‌هایمان را تأیید کنند و رسم شکایت کردن از دنیا را خوب بلد باشند. غر می‌زنیم و غر می‌زنیم؛ از همه جا. بدون اینکه حواسمان باشد شاید در چند قدمی مان کودکی حرف‌هایمان را می‌شنود که رؤیای بزرگ شدن و خوشبخت شدن در سر می‌پروراند و ما اصلاً برایمان مهم نیست که با این حرف‌ها چقدر فرزندانمان را می‌رنجانیم و چقدر آنها را از آینده‌ای که پیش رویشان است، می‌ترسانیم.

اگر شما پدر و مادری هستید که به غر زدن درباره وضعیت اقتصادی عادت دارید، این گزارش می‌تواند شما را از آسیبی که متوجه فرزندانان است، آگاه کند.

## چشم و هم‌چشمی نایک‌پوش‌ها و آدیداس‌پوش‌ها

دکتر مرجان علی‌قارداشی - روانشناس - در این‌باره می‌گوید: «مدتی است به دلیل شرایط اقتصادی که در جامعه حاکم شده است، شاهد ناتوانی مالی برخی از مردم هستیم. شاید اگر تا چند وقت پیش سرپرست خانواده یک ماه حقوق نمی‌گرفت، این موضوع خیلی به چشم نمی‌آمد و شرایط توسط خانواده مدیریت شد اما امروز شرایط متفاوت است و خیلی سخت می‌شود اوضاع اقتصادی خانواده را طوری مدیریت کرد که بچه‌ها متوجه شرایط بحرانی نشوند؛ آن هم بچه‌هایی که این روزها با دوستانشان در چشم و هم‌چشمی گوشی‌های آیفون و کتانی‌های نایک و آدیداس هستند.»

او ادامه می‌دهد: «درست است که ما مثلاً ۱۰ سال پیش مشکلات امروز را نداشتیم و ارزش‌هایمان متفاوت بود اما باید قبول کنیم که بچه‌های امروز خیلی با ما فرق دارند. یاد می‌آید که ما وقتی بعد از تعطیلات نوروز به مدرسه می‌رفتیم، کفش‌های نویمان را خاکی می‌کردیم که کسی متوجه نبودن آنها نشود اما الان معیار زندگی‌ها پول شده است و بچه‌ها برای برند کفش‌هایشان در مدارس به یکدیگر فخر می‌فروشند. گذشت آن زمانی که یکپارچگی در مدارس وجود داشت و بچه‌ها حق خوردن برخی خوراکی‌ها را در مدارس نداشتند. بچه‌های الان گران‌ترین لوازم را به مدرسه می‌برند و به یکدیگر پز می‌دهند. در واقع کودکی این نسل شباهت چندانی به کودکی ما ندارد. حتی این روزها در مدارس ساعت مشخصی به نام «زنگ اسباب‌بازی» وجود دارد و بچه‌ها لوکس‌ترین اسباب‌بازی‌ها را با خودشان به مدرسه می‌برند.»

این روانشناس اظهار می‌کند: «موضوع بحث ما این نیست. موضوع ما والدینی هستند که از روی ناآگاهی در جمع‌های خانوادگی از مسائل اقتصادی دائم شکایت می‌کنند و متوجه نیستند که این موضوع چقدر بچه‌ها را افسرده می‌کند.»

## وقتی هیچ چیز مهم نیست، به جز پول!

علی‌قارداشی معتقد است: «این روزها همه چیز با پول سنجیده می‌شود. مثلاً بچه‌ها دوست دارند در تعطیلات نوروز به خانه کسی بروند که عیدی بیشتری می‌دهد. این ناشی از مادی‌گرایی است که همه به آن گرفتار شده‌اند و بسیار آسیب‌زننده است. متأسفانه جامعه به دو طبقه تقسیم شده و طبقه متوسط، دائم در حال کوچک‌تر شدن است. به طوری که بعضی از بچه‌ها در مدارس غیرانتفاعی با امکانات عجیب و غریب درس می‌خوانند و بعضی بچه‌ها در مدارس هستند که یک سیستم گرمایشی مناسب هم ندارد. فرزندان ما در جامعه و در جمع‌های خانوادگی شرایط خودشان را با سایر بچه‌ها مقایسه می‌کنند و در عین حال متوجه هستند که چه فشارهای مالی سنگینی به خانواده‌هایشان تحمیل می‌شود. گاهی فشار آنقدر زیاد است که خانواده اصلاً متوجه نیست که کنترل شرایط از دستش خارج شده و نتوانسته مشکل را از فرزند پنهان کند.»

این روانشناس در همین‌باره توضیح می‌دهد: «آدم‌بزرگ‌ها از رشد شناختی و رشد تحلیلی برخوردارند. رشد شناختی یعنی فهمیدن یک موضوع و رشد تحلیلی یعنی توانایی درک و تحلیل همان موضوع و انتخاب راه حل مناسب برای آن. این در حالی است که بچه‌ها از رشد شناختی برخوردارند اما هنوز رشد تحلیلی ندارند. یعنی آنها مفهوم بی‌پولی را می‌فهمند اما توانایی هضم آن را ندارند. والدین باید بدانند که شاید فرزندان از نظر خودشان خیلی بزرگ شده اما واقعیت این است که او قابلیت تحلیل مشکلات مالی والدینش را ندارد.»

## شکایت از بی پولی با بچه‌ها چه می‌کند؟

علی‌قارداشی شکایت اقتصادی والدین مقابل کودک را به شدت آسیب‌زننده می‌داند و می‌گوید: «در این شرایط بچه عزت نفس خود را از دست می‌دهد. در دنیای امروز قدرت اقتصادی با میزان نفوذ در جامعه رابطه مستقیم دارد و کودک در این شرایط احساس می‌کند که دارای یک خانواده ضعیف است که به آن احترام گذاشته نمی‌شود و در نهایت احساس حقارت می‌کند. از طرف دیگر کودک احساس ناتوانی خواهد داشت چون می‌بیند که تلاش‌های والدینش عایدی چندانی ندارد و فکر می‌کند که دلیلی ندارد برای ساختن آینده‌اش تلاش کند.»

## هر پولداری دزد است؟

او همچنین اضافه می‌کند: «یکی دیگر از پیامدهای این موضوع ایجاد احساس خشم در کودک است. بچه‌ای که از لحاظ مالی تحقیر می‌شود، پرخاشگر خواهد بود. او اول اسباب‌بازی دوستانش را خراب می‌کند و بعد دزدی‌های کوچک از او سر می‌زند. بزرگ‌تر که شود به خودش اجازه می‌دهد روی یک ماشین مدل بالا خط بیندازد. چون ما آدم بزرگ‌ها مدام در گوشش خوانده‌ایم که هر آدم پولداری یا دزد است یا از رابطه‌های خاصی بهره می‌برد. چون مدام در گوشش خوانده‌ایم که هر چقدر هم تلاش کنی اگر رابطه نداشته باشی به هیچ‌جا نمی‌رسی! او هم همیشه هر آدم ثروتمندی را دزد و رانت‌خوار می‌بیند. در این شرایط فرزند ما ممکن است حس کند که لیاقت زندگی خوب را ندارد.»

## برای آسایش فرزندان از خودگذشتگی کرده‌اید؟

این روان‌درمانگر می‌گوید: «یک اخلاق بدی که والدین ایرانی دارند، ایجاد احساس عذاب وجدان در فرزندشان است. مثلاً وقتی فرزندشان درخواستی دارد، خیلی غیرمنطقی در جواب با آه و ناله می‌گویند که من برای آسایش تو همیشه از خودم گذشته‌ام و از خواسته‌های شخصی‌ام صرف نظر کرده‌ام. یعنی والدین می‌خواهند به بچه بفهمانند که خودشان را قربانی کرده‌اند برای اینکه او زندگی خوبی داشته باشد؛ رویکرد بسیار غلطی که باعث می‌شود بچه هیچ وقت خواسته‌هایش را با خانواده در میان نگذارد. اگر والدینی هستید که همیشه در خانه از شرایط بد اقتصادی صحبت می‌کنید و فرزندان را هم در این بحث‌ها دخالت می‌دهید، باید بدانید که فرزندان را در شرایط سختی قرار داده‌اید.»

او ادامه می‌دهد: «صحبت کردن بیش از اندازه درباره مسائل اقتصادی آن‌ها مقابل کودکان آنها را منزوی می‌کند و به ناکامی می‌کشاند. این ناکامی ممکن است خودش را با افت تحصیلی نشان دهد. چون بچه با خودش می‌گوید من که پیشرفت نمی‌کنم. عده‌ای دیگر از بچه‌ها نیز به دروغگویی روی می‌آورند فقط برای اینکه خودشان را به دوستانشان ثابت کنند. مراجعه‌کننده‌ای داشتم که بچه‌ای حقوق یک ماه پدرش را دزدیده بود تا کل بچه‌های کلاس را ساندویچ مهمان کند و به این ترتیب ثابت کند خانواده خیلی پولداری دارد. بچه‌ها در این شرایط به چیزی که نیستند، تظاهر می‌کنند و گاهی از نشان دادن والدینشان به دوستانشان خجالت می‌کشند چون مثلاً ماشینشان پراید است.»

## میزان درآمد شما به فرزندان ربطی ندارد

او در پاسخ به این پرسش که نقش خانواده و مدرسه در آموزش‌های اقتصادی به کودکان چیست؟ توضیح می‌دهد: «مدارس و خانواده نقش مهمی درباره آموزش این موارد به بچه‌ها دارند. باید گروه‌هایی در مدارس از دانش‌آموزان تشکیل شود که هدفشان انجام کار خوب و کمک به دیگران باشد. معلم‌ها باید در مدرسه راجع به ارزش‌های انسانی برای بچه‌ها صحبت کنند و به آنها بگویند که ثروت معنایش فقط حساب بانکی پر نیست بلکه والدین خوب، سلامتی، دانش و ... هم ثروت محسوب می‌شوند. این آموزش‌ها در سنین کودکی بسیار تاثیرگذارتر است. مدارس باید روی یکدستی بچه‌ها تاکید داشته باشند. من از یک سیستم کمونیستی حرف نمی‌زنم اما معتقدم آنها باید هنر خوب زندگی کردن را به بچه‌ها یاد بدهند، نه هنر پول خرج کردن را! باید به بچه‌ها یاد بدهند که خوشبختی در گرو کارهای کوچک است. از طرفی والدین حق ندارند از میزان درآمدشان یا حتی پس‌اندازشان با بچه‌ها حرف بزنند. اگر هم فرزندشان سوال مستقیمی در این باره پرسید کافی است در جواب فقط بگویند که از پس مخارج زندگی برمی‌آیند و جای نگرانی نیست. بهتر است از سن پایین به بچه‌هایشان ماهیانه بدهند و مدیریت هزینه را به او یاد بدهند و حتی وقتی بچه پس‌اندازی برای خود جمع کرده به او جایزه بدهند. بچه‌ها باید انضباط مالی را یاد بگیرند نه اینکه دائم به آنها احساس خشم یا عذاب وجدان منتقل شود.»

ایسنا منبع: